

پدیدارشناسی تجارب خودافشایی مادران نزد فرزندان: دلایل و راهبردها*

♦ وحیده فضیلت پور^۱ ♦ دکتر مریم غلامزاده جفreh^۲ ♦ دکتر محسن نظری فر^۳

چکیده:

خودافشایی والدین، به‌ویژه مادران، نزد فرزندان رخداد رایجی است که در بافت رابطه والد-فرزند با انگیزه‌های گوناگون رخ می‌دهد و در صورت نامناسب بودن می‌تواند برای فرزندان استرس‌آور باشد. با وجود این اطلاعات کمی در مورد شرایط و دلایل ترغیب‌کننده والدین به خودافشایی و شیوه‌های انجام آن وجود دارد. از این رو مطالعه حاضر با هدف شناسایی دلایل و راهبردهای به‌کارگرفته شده مادران برای خودافشایی نزد فرزندان انجام شده است. در این مطالعه کیفی و برپایه روش پدیدارشناسی توصیفی، جامعه آماری شامل مادران غیرمطلقه ساکن شهر تهران طی سالهای ۱۴۰۰-۱۳۹۹ و دارای حداقل یک فرزند ۳۵-۱۰ ساله بوده است که ۲۲ نفر از آنها از طریق تبلیغات در فضای مجازی و با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت. تحلیل داده‌ها به روش پدیدارشناسی کولازی دو محتوای اصلی را نشان داد که عبارت‌اند از: (۱) مادران به دلایل گوناگون از جمله تخلیه هیجانی، دریافت حمایت و آموزش به فرزند خودافشایی می‌کنند، (۲) راهبردهای به‌کارگرفته شده مادران در خودافشایی شامل چگونگی بیان، مقدار خودافشایی، زمان گفتن و وضع قوانین است. پیشنهاد می‌شود که مشاوران حوزه خانواده بر پایه نتایج این مطالعه، برای پیشگیری از وقوع پیامدهای منفی خودافشایی، به والدین در تشخیص دلایل تحریک‌کننده آنها به خودافشایی و شیوه‌های مناسب ابراز آن یاری‌رسان باشند.

کلیدواژگان: خودافشایی مادران، دلایل، راهبردها، پدیدارشناسی، فرزندان

© تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۹

© تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.

۱. دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. fazilat.ir@gmail.com
۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. Maryam-jofreh@iauahvaz.ac.ir
۳. استادیار گروه روانشناسی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. m-nazarifar@araku.ac.ir

مقدمه

اطلاعاتی که والدین با فرزندان خود در میان می‌گذارند ممکن است روابط والد - فرزندی، سلامت روان و سازگاری فرزندان با مسائل گوناگون را تحت تأثیر قرار دهد (کوهن، لایشتنتریت و والپین^۱، ۲۰۱۴). بر اساس نظریه بوئن^۲ (۱۹۶۶)، به واسطه وابستگی متقابل هیجانی که میان اعضای یک خانواده وجود دارد، اضطراب والدین می‌تواند از طریق پیامهای صادر شده از آنها به فرزندان منتقل شود (اومارا و شروت^۳، ۲۰۱۷) و یکی از این ابزارهای انتقال، خودافشایی است. در بافت خانواده، خودافشایی والدین به آن دسته از پیامهای کلامی و غیرکلامی گفته می‌شود که در آنها اطلاعات شخصی و خصوصی مربوط به هر یک از والدین یا هر دو والد برای فرزندان گفته می‌شود (دونوان، تامپسن، لوفور و تولیسون^۴، ۲۰۱۷). بر اساس یافته‌های مطالعات گذشته، والدین از جمله مادران در مورد موضوعاتی مانند طلاق (ثورسن^۵، ۲۰۱۴)، روابط جدید بعد از طلاق (میلر - اوت^۶، ۲۰۱۳)، اظهارنظر منفی دربارهٔ همسر (شروت و افیفی^۷، ۲۰۱۸)، اختلافات بر سر شیوه فرزندپروری (کانگ و گنانگ^۸، ۲۰۱۹)، نگرانیهای مالی (افیفی، افیفی و کوهو^۹، ۲۰۰۹) و همچنین مسائل معنوی (برسلفورد و ماهونی^{۱۰}، ۲۰۰۸) نزد فرزندان خودافشایی می‌کنند. تاکنون خودافشایی در میان بزرگسالان (گرین، درلگا و متیوز^{۱۱}، ۲۰۰۶)؛ همشیرها و دوستان (لوسک، استیشیاک و لدلی^{۱۲}، ۲۰۰۲) و خودافشایی نوجوانان نزد والدین (فیکناور، انگلز، برنجی و موس^{۱۳}، ۲۰۰۴) به خوبی بررسی شده و اثرات مثبت آن بر این روابط و سلامت افراد تأیید شده است، اما در زمینه خودافشایی والدین نزد فرزندان مطالعات اندکی صورت گرفته است (کانگ و گنانگ، ۲۰۱۹). خودافشایی والدین در مورد مسائل فردی ضمن آنکه می‌تواند در سازگاری با استرسهای مربوط به خانواده به کودکان کمک کند، ممکن است استرس آنها را افزایش دهد و منجر به مشکلات رفتاری در فرزندان شود (کانگ، گنانگ، چپمن^{۱۴}، کولمن^{۱۵} و کو^{۱۶}، ۲۰۱۷). تأثیرات قابل توجهه و در برخی موارد ناهمگن

1. Cohen, Leichtentritt & Volpin
2. Bowen
3. O'Mara & Schrodt
4. Donovan, Thompson, LeFebvre & Tollison
5. Thorson
6. Miller-Ott
7. Afifi
8. Kang & Ganong
9. Coho
10. Brelsford & Mahoney
11. Greene, Derlega & Mathews
12. Levesque, Steciuk & Ledley
13. Finkenauer, Engels, Branje & Meeus
14. Chapman
15. Coleman
16. Ko

خودافشایی والدین بر سلامت جسم و روان فرزندان (برای نمونه بیکر و برسارد^۱، ۲۰۱۳)، نگرانی متخصصان و پژوهشگران را برای بررسی بیشتر همه ابعاد این پدیده برانگیخته است.

افزون بر پژوهشهای صورت گرفته در زمینه محتوای خودافشایی والدین و ارزیابی مناسب بودن آنها، یکی دیگر از حوزه‌های مورد بررسی، شناخت عواملی است که افشای چنین اطلاعاتی را از سوی والدین برمی‌انگیزد. به خلاف پژوهشهای متعدد انجام شده در زمینه تأثیرات خودافشایی والدین بر فرزندان، در مورد دلایل اقدام به این خودافشاییها پژوهشهای اندکی انجام شده است. از میان این مطالعات می‌توان به پژوهش دالجین و برنت^۲ (۱۹۹۷) اشاره کرد. در بخشی از یافته‌های این مطالعه کمی که روی ۱۷۷ پدر و ۱۹۵ مادر (مطلقه و غیرمطلقه) انجام گرفته، هشت دلیل برای خودافشایی والدین مطرح شده است که عبارت‌اند از: انتقال اطلاعات، دریافت اطلاعات، تخلیه هیجانی، دریافت حمایت، اشتراک خبرهای خوب، مشورت گرفتن از فرزند، نزدیکی به فرزند و تغییر رفتار وی. دیگر مطالعه‌ای که افیفی، مک‌مانوس^۳، هاجینسون^۴ و بیکر (۲۰۰۷) روی ۱۱۸ جفت والد مطلقه (پدر و مادر) با هدف بررسی دلایل خودافشایی والدین در مورد مسائل مربوط به طلاق انجام داده‌اند، احساس فقدان کنترل بر عامل استرس‌آور از سوی والد را پیش‌بین قوی خودافشایی نامناسب نزد فرزند ذکر کرده‌اند. والدینی که معتقدند عامل استرس‌زا خارج از کنترل آنهاست، احتمال بیشتری دارد که برای دریافت حمایت هیجانی به فرزندان خود رویاورند. با وجود اینکه خودافشایی در میان هر دو والد اتفاق می‌افتد، مطالعات نشان داده که مادران بیشتر از پدران نزد فرزندان خودافشایی می‌کنند (فینکناور و همکاران، ۲۰۰۴) و این عمل را بیشتر با هدف دریافت حمایت عاطفی از فرزندان انجام می‌دهند (افیفی، شروت و مک‌مانوس، ۲۰۰۹). از این رو در پژوهش حاضر پدیده خودافشایی در میان مادران مورد توجه قرار گرفته است.

راهبردهای به کار گرفته شده والدین برای خودافشایی، بعد دیگری است که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در مطالعه کانگ و گنانگ (۲۰۱۹)، که تنها پژوهش صورت گرفته در زمینه راهبردهاست، پدران مطلقه شرکت کننده نه تنها درباره محتوای خودافشایی خود، بلکه درباره اینکه چه زمانی و چگونه باید خودافشایی کنند نیز تأمل می‌کردند که این بررسیها اشاره به راهبردهای والدین برای خودافشایی نزد فرزندان دارند. پدران در افشای اطلاعات، سه رویکرد بیان کاملاً باز، محدود و همچنین پنهان کردن کامل اطلاعات خصوصی خود را به کار بردند. در مورد زمان و چگونگی خودافشایی نیز سه راهبرد را پیش گرفتند از جمله: انتظار برای خودافشایی تا فرارسیدن زمان بهتر، ارائه از سوی هر دو والد به صورت یک جبهه واحد و علاوه بر گفتن درگیر کردن فرزند در تصمیم‌گیری. مطابق با مفاهیم

1. Baker & Brassard
2. Dolgin & Berndt
3. McManus
4. Hutchinson

نظریه مدیریت حریم خصوصی ارتباطات^۱، که چارچوبی را برای درک بهتر پدیده خودافشایی فراهم کرده است، زمانی که اطلاعات شخصی با فردی دیگر به اشتراک گذاشته می‌شود، آن شخص نیز مالک مشترک این اطلاعات می‌شود و قوانین دسترسی سایر افراد به این اطلاعات از سوی این مالکان مشترک تنظیم می‌شود. قوانین مذکور شامل این است که چه مقدار از این اطلاعات، با چه کسی و تحت چه شرایطی می‌تواند به اشتراک گذاشته شود. در بافت خانواده، والدین که صاحب حجم زیادی از اطلاعات خصوصی یکدیگرند، ممکن است در زمینه دسترسی فرزندان به این اطلاعات، قوانینی را به صورت فردی یا مشترک تنظیم کنند. ادراک والدین از این قوانین منحصربه فرد خود، آنها را در خودافشایی کردن نزد فرزند راهنمایی می‌کند (کانگ و گنانگ، ۲۰۱۹). با توجه به تفاوت در میزان و الگوی خودافشایی مادران در مقایسه با پدران که در مطالعات قبلی به آن اشاره شده است، در این پژوهش برای نخستین بار راهبردهای مادران برای خودافشایی مورد بررسی قرار گرفته است.

برای آموزش والدین در مورد محتوای مناسب برای خودافشایی و چگونگی ابراز صحیح آن (راهبردهای خودافشایی)، نیاز است که مطالعات بیشتری روی شرایطی انجام گیرد که بر وقوع این پدیده تأثیر می‌گذارد و تاکنون در این زمینه مطالعات قابل توجهی انجام نشده است (افیفی، افیی و کوهو، ۲۰۰۹). همچنین اکثر بررسیهای بالینی و موردی مناسب که پیرامون پدیده خودافشایی و مرزشکنی میان - نسلی صورت گرفته، در میان مادران مطلقه بوده است و پژوهشهای نظام‌مند بسیار اندکی روی نمونه‌های غیربالینی (برای نمونه مادران غیرمطلقه) انجام شده است (افیفی و استیوبر^۲، ۲۰۱۰). پر کردن این شکاف موجود در ادبیات پژوهشی، با توجه به وقوع این پدیده در میان خانواده‌ها، فارغ از وضعیت تأهل والدین و اثرات منفی قابل توجه خودافشایی نامناسب بر فرزندان، از اهمیت بسیار برخوردار است. به‌طور کلی اکثر پژوهشهای انجام شده کمی بوده است و از آنجایی که پژوهشهای کمی انعطاف و عمق لازم را ندارند، در این مطالعه از رویکرد عمیق کیفی استفاده شده است. نکته قابل توجه دیگر اینکه تاکنون در داخل کشورمان، هیچگونه پژوهش کمی یا کیفی در زمینه خودافشایی والدین نزد فرزندان صورت نگرفته و با توجه به متفاوت بودن رفتارهای مربوط به تنظیم حریم خصوصی در میان فرهنگهای گوناگون (هاک^۳ و همکاران، ۲۰۱۳) و بافت منحصربه فرد فرهنگی و اجتماعی کشورمان، مطالعه این موضوع به شیوه بومی‌شده از ضرورت بسیار برخوردار است. وجود همه ضرورت‌هایی که پیشتر به آن اشاره شد، پژوهشگران این مطالعه را واداشت تا به کشف تجربه مستقیم مادران غیرمطلقه از خودافشایی نزد فرزندان در دو بعد دلایل و راهبردهای به‌کارگرفته شده بپردازند. این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤالات است: تجربه مادران از این پدیده چگونه است؟ دلایل خودافشایی مادران چیست؟ و مادران چگونه و با چه راهبردهایی نزد فرزندان خودافشایی می‌کنند؟

1. Communication privacy management theory
2. Steuber
3. Hawk

روش‌شناسی

پدیده خودافشایی والدین نزد فرزندان با همه اهمیت که دارد، هنوز در پژوهشهای گذشته از دیدگاه تجربه‌کنندگان آن به اندازه کافی کشف نشده است، از این رو در این پژوهش از روش کیفی و بارویکرد پدیدارشناسی توصیفی پیروی شده است. روش پدیدارشناسی به بررسی تجربیات واقعی افراد می‌پردازد و اعتقاد بر این است که در این تجربیات جوهره‌هایی وجود دارند که قابل فهم و بررسی هستند (ادیب حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۹۰). جامعه این پژوهش شامل مادران غیرمطلقه ایرانی دارای تجربه خودافشایی نزد فرزند است که محل سکونت آنها طی سالهای ۱۳۹۹-۱۴۰۰ شهر تهران بوده است. در این مطالعه افراد نمونه از طریق تبلیغات در فضای مجازی (برای نمونه واتساپ و اینستاگرام) و اطلاع‌رسانی شفاهی میان کارکنان خانم دانشگاه فرهنگیان شهر تهران و به‌روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند، به این صورت که افراد داوطلب برای ورود به این پژوهش باید دارای معیارهایی مانند: علاقه‌مندی به شرکت در پژوهش، نداشتن تجربه طلاق، گذشتن حداقل ده سال از مدت ازدواج آنها و دارا بودن حداقل یک فرزند ۱۰ تا ۳۵ ساله می‌بودند. در این پژوهش به توصیه کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) مصاحبه با نمونه‌ها تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافته و در نهایت در بیستمین مصاحبه این اشباع نظری حاصل شده است. با وجود این برای اطمینان، دو مصاحبه تکمیلی دیگر انجام شده است که نتایج تکرار مصاحبه‌های قبلی بود. شمار مادران این مطالعه ۲۲ نفر، سن مادران از ۳۶-۵۶ و تعداد فرزندان آنها ۴-۲ نفر بودند. ۱۴ نفر از آنها دارای فرزندی از هر دو جنس بودند. میانگین مدت زمان ازدواج آنها ۲۳ سال، پایین‌ترین مدرک تحصیلی دیپلم و بالاترین مدرک کارشناسی ارشد بود.

داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته و سؤالات باز - پاسخ در مورد مسائلی که مادر با آن درگیر است، همچنین دلایل و چگونگی افشای اطلاعات خصوصی نزد فرزند (برای نمونه از موضوعاتی که با فرزند صحبت می‌کنی، بگو)، همراه با سؤالات پیگیرانه برای تشویق مشارکت‌کنندگان برای در اختیار گذاشتن تجارب عمیق آنها گردآوری شده است. هر یک از مصاحبه‌ها طی دو جلسه، به‌صورت حضوری البته با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به دلیل شیوع ویروس کرونا و در بازه زمانی ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه انجام شده که در طول هر جلسه، مصاحبه با رضایت کامل مصاحبه‌شونده ضبط می‌شده است. همه فایل‌های ضبط‌شده را پژوهشگر به‌صورت کلمه به کلمه رونوشت‌برداری کرده است. مسائل اخلاقی رعایت‌شده در این پژوهش شامل موارد زیر بود: کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش و ضبط محتوای مصاحبه، اطمینان به محرمانه باقی ماندن داده‌ها و استفاده از اسم مستعار برای شرکت‌کنندگان.

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کولایزی^۱ استفاده شده است. عبارات مهم رونوشت هر مصاحبه که نشان‌دهنده قسمت اساسی تفکر فرد بود، استخراج می‌شد و بعد از چندین بار مرور

1. Colaizzi's method

این عبارات، توصیفی کوتاه از معنای پنهان در آن نوشته می‌شد، سپس این واحدهای معنایی (کدها) بر اساس تشابه مفهومی طبقه‌بندی شدند و مجدداً این طبقه‌ها برای توصیف جامع از پدیده به هم پیوند یافته و دسته‌های کلی‌تر را به وجود آوردند که مضامین اصلی نام دارند. این مراحل با مثالی بیان می‌شوند: عبارات مهم شماری از مادران شرکت‌کننده به این شرح است: بخشی از تجربیاتم رو برای دخترم گفتم که سطح آگاهی‌ش رو بالا ببرم (بالا بردن آگاهی)/ کارهای اشتباه گذشته‌ام رو مطرح کردم، اینجوری دخترم دیگه قدم اشتباه من رو دوباره تکرار نمی‌کنه (پیشگیری از تکرار اشتباه والدین)/ برای اینکه شناختش از من بیشتر بشه، از تفاوت‌های فردیم با دیگران براش گفتم (افزایش شناخت از والد)/ تو بچگی مورد آزار جنسی قرار گرفتم، داستانش رو برای دخترم گفتم که اونم مراقب خودش و بچه‌هاش باشه (آموزش خودمراقبتی از طریق بیان تجربه شخصی)/ یه مدت خیلی مریض شدم، کامل پسرا رو در جریان گذاشتم که اگه برام اتفاقی افتاد آمادگی‌ش رو داشته باشن (ایجاد آمادگی در فرزند). مفهوم مشترک استخراج شده از عبارات بالا، وجود انگیزه آموزش به فرزند در مادران برای خودافشایی نزد فرزند است که در نهایت این انگیزه و سایر انگیزه‌های استخراج شده از تجارب مادران منجر به تشکیل مضمون اصلی دلایل مادران برای خودافشایی شد.

برای اطمینان از صحت و دقت داده‌ها، از معیارهای چهارگانه شامل: اعتبار^۱، تأییدپذیری^۲، قابلیت اعتماد^۳ و انتقال‌پذیری^۴ استفاده شده است. برای افزایش معیار اعتبار از راهکارهایی همچون تخصیص زمان کافی برای گردآوری داده‌ها و برقراری ارتباط حرفه‌ای با شرکت‌کنندگان استفاده شده است. برای معیار اعتمادپذیری، متن مصاحبه‌ها جهت کدگذاری به همکاران پژوهشگر داده شد و ضریب توافق بالای ۸۵ درصد در این زمینه به دست آمد. در معیار تأییدپذیری تلاش برای کسب نظرات دیگران در این زمینه از جمله عوامل تعیین‌کننده بود. همچنین برای افزایش قابلیت انتقال داده‌ها، سعی شد مشارکت‌کنندگان در این پژوهش با بیشترین تنوع در ویژگی‌های جمعیت‌شناسی همچون سن، سطح تحصیلات، جنس فرزندان و ... انتخاب شوند.

■ یافته‌ها

در پژوهش حاضر با توجه به تحلیل تجارب مادران، ۴۰ کد اولیه، ۱۱ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی شناسایی و در جدول شماره ۱ ارائه شده است. در ادامه هر یک از مضامین فرعی با استفاده از روایتهای متناسب، مورد تحلیل قرار گرفته است.

1. Credibility
2. Confirmability
3. Dependability
4. Transferability

جدول ۱. طبقه‌های استخراج‌شده از تحلیل مصاحبه‌ها

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه	روایات
دلایل خودافشایی مادران	ایجاد تغییر در فرزند	تغییرات شناختی و رفتاری / کاهش توقعات	● برای اینکه سطح انتظارش رو پایین بیارم، از بدهیهای پدرش براش گفتم
	آرام‌سازی فرزند	● متقاعد کردن / پاسخ به کنجکاوی / حمایت مادی و معنوی از وی / کاهش مشغولیت ذهنی فرزند / تقویت روحیه فرزند	● درخواستم از کمیته امداد که پذیرفته میشه رو به بچه‌ها می‌گم تا روحیه بگیرن
	آموزش به فرزند	● بالا بردن آگاهی و قدرت تشخیص / پیشگیری از تجربه مجدد اشتباه والدین / آموزش پیش از ازدواج، خودمراقبتی و ... از طریق بیان تجربه شخصی / ایجاد آمادگی / افزایش شناخت فرزند از والدین	● یه مدت دچار یه بیماری خاصی شده بودم، به بچه‌ها گفتم که آمادگی پیدا کنن و یهو شوک نشن
	دریافت حمایت از فرزند	● مشورت گرفتن / دریافت کمک مادی و معنوی / تأیید حقانیت خود / افزایش قدرت درک و همدلی فرزندان	● گاهی اوقات از مشکلاتی که با پسر کوچیکم دارم برای بزرگه می‌گم که ازش مشورت بگیرم
	دریافت اطلاعات	● خودافشایی متقابل فرزند / افزایش شناخت والد از فرزند	● وقتی راجع به خاطراتم تو این سن باهاش صحبت می‌کنم، سر صحبت باز میشه و اونم راحت‌تر حرفاشو میزنه
	بهبود رابطه	● کاهش تنش در رابطه / صمیمیت بیشتر / احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری در فرزند / اعتماد بیشتر فرزند به والد	● مسائل مالی را همیشه تو خونه مطرح کردیم، الان بچه‌ها دیگه احساس مسئولیت می‌کنند
	تخلیه هیجانی	● کاهش احساسات منفی مثل خشم، عصبانیت / بهبود روحیه والد	● مشکلاتی که با همسر داشتم رو از روی عصبانیت براش گفتم، می‌خواستم درد دل کنم و آرام بشم
راهبردهای خودافشایی مادران	چگونگی بیان	● بیان کردن چهره به چهره / بیان کردن غیرمستقیم از سوی شخص واسطه / بیان کردن از سوی یکی از والدین / بیان کردن از سوی هر دو والد به صورت مشترک / بیان متناسب با ویژگیهای رشدی فرزند / بیان کردن مکرر	● من و همسر با هم می‌نشستیم و با بچه‌ها حرف می‌زدیم
	مقدار گفتن	● بیان کردن کامل و جامع موضوع / بیان کردن محدود / کاملاً پنهان کردن موضوع / علاوه بر گفتن مشارکت دادن فرزند در تصمیم‌گیری	● با جزییات همه چیز رو بهش نمی‌گم، آخه ذهنش خیلی فراتر از سنش میره و زود بزرگ میشه
	زمان گفتن	● بیان کردن در موقعیت پیش آمده مربوط به موضوع / بیان کردن خارج از موقعیت و صبر کردن تا فرصت مناسب / مسکوت ماندن موضوع تا بزرگ شدن فرزند / بیان کردن بدون قصد قبلی	● یهو از تو دهنم در اومده و یه چیزی از مشکلی که با همسر دارم گفتم که نمی‌خواستم بگم
	وضع قوانین	● پیروی هر دو والد از قوانین مذاکره شده مشترک / نرسیدن به توافق مشترک و پیروی هر والد از قوانین منحصر به فرد خود / عدم مذاکره والدین با هم و خودافشایی کردن بدون تبعیت از قوانین مشخص	● با همسر صحبت کردم و به توافق رسیدیم که بعضی مسائل به گوش بچه‌ها نرسه

● مضمون اصلی اول: دلایل خودافشایی

در جدول شماره ۱ به هفت دلیلی اشاره شده که مادران را ترغیب به خودافشایی نزد فرزندان می‌کرده است. این دلایل شامل ایجاد تغییر در فرزند (۵۰ درصد از مادران به این دلیل اشاره کردند)، آرام‌سازی فرزند (۸۷ درصد)، آموزش (۷۵ درصد)، دریافت حمایت (۶۳ درصد)، دریافت اطلاعات (۲۵ درصد)، بهبود روابط (۵۰ درصد) و تخلیه هیجانی (۸۷ درصد) می‌باشند. با توجه به اینکه مادران به بیش از یک دلیل برای خودافشایی اشاره کردند، جمع درصد فراوانیها بیشتر از صد بود. هر کدام از این دلایل اشاره به مجموعه‌ای از دلایل جزئی‌تر دارد که در جدول بالا با عنوان کدهای اولیه به آن اشاره شده است. براساس یافته‌های به‌دست آمده از تجربیات مادران، رایج‌ترین دلایل خودافشایی مادران شرکت‌کننده نزد فرزندان، تخلیه هیجانی خود والد و همچنین آرام‌سازی فرزند بوده است. از دیدگاه مادران نیت و قصد والد از خودافشایی یکی از عواملی است که بر مناسب بودن یا نبودن آن تأثیر می‌گذارد. به اعتقاد آنها بعضی از این دلایل (مانند آموزش به فرزند) موجه و در اکثر مواقع منجر به خودافشایی مناسب و بعضی دیگر (مانند تخلیه هیجانی) در بیشتر موارد منجر به خودافشایی نامناسب نزد فرزند می‌شود.

برای نمونه عظیمه (۲۲،۱۷،۷)^۱ بیان می‌کند: «ما یک مشکل خانوادگی با یکی از اعضای فامیل پیدا کردیم، همسرم این قضیه رو به پسر من گفت تا ذهنش رو راجع به اون شخص منفی کنه، به نظرم کار درستی نبود، ولی یه جاهایی خوبه گفته بشه، مثلاً گاهی اوقات من میرم خرید و یه تجربه‌ای از برخورد نامناسب فروشنده با خودم دارم، میام این رو به دخترم میگم تا یاد بگیره که چطور با دیگران ارتباط برقرار کنه و اشتباه من رو دوباره تجربه نکنه».

◆ مضمون فرعی اول: ایجاد تغییر در فرزند

برخی از مشارکت‌کنندگان در تجربیات خود اشاره کردند که به قصد تغییر فکر، احساس و رفتار فرزندشان به حالتی که مطلوب آنها بوده یا برای تغییر سطح انتظارات وی دست به خودافشایی زده‌اند. برای نمونه مادری می‌گوید: «خانواده همسرم مرتب آخر هفته‌ها مهمانی دارند، من چون فکر می‌کنم این مهمونی‌های زیاد وقت تلف کردن است، می‌خواستم ذهن دخترم رو راجع به این مهمونی‌ها عوض کنم. مجبور شدم از اختلاف نگاهم و مشکلاتی که سر این قضیه با خانواده همسرم داشتم براش بگم» الهام (۱۸،۹). همچنین ایشان درباره تغییر انتظارات فرزند اشاره می‌کند: «واقعی پیش آمده که دختر بزرگم چند تا چیز را با هم دیگه می‌خواسته، برای اینکه سطح انتظارش رو پایین بیارم، یه کم از بدهیهای پدرش براش گفتم».

۱. اعداد درون پرانتز سن فرزندان را نشان می‌دهد.

♦ مضمون فرعی دوم: آرام‌سازی

دلایلی مانند متقاعد کردن فرزند، پاسخ به کنجکاوی وی، نشان دادن حمایت عاطفی و مادی، کاهش مشغولیت ذهنی و تقویت روحیه فرزند منجر به استخراج این زیرمضمون شد. اکثر مادران شرکت‌کننده (۸۷ درصد)، آرام‌سازی فرزند را عاملی بیان کردند که آنها را در برخی موارد ترغیب به خودافشایی نزد فرزند کرده است. به‌طور مثال زهرا (۱۳،۲۰) دلیل متقاعد کردن فرزندش را این‌گونه بیان می‌کند: «همسر من به واسطه کارش، روابطش با یه خانم بیشتر شده بود. به شدت به اون خانم و همسر من اعتماد شدم. دختر من مرتب اصرار داشت این زن بیشتر بیاد خونه ما. دیگه مجبور شدم برای متقاعد کردنش یه سری چیزها رو براش باز کنم و از نگرانیم بگم.»

مادر دیگری، پروانه (۳۳،۲۶،۱۲،۱۲)، در تأیید دلیل حمایت عاطفی از فرزند مطرح می‌کند: «بعضی مواقع پسرها از اینکه باباشون پول بهشون نمیده پیش من شکایت می‌کنن، منم برای همدردی و نشان دادن حمایت، از مشکلات مالی که با پدرشون دارم می‌گم.»

♦ مضمون فرعی سوم: آموزش به فرزند

مادران در تجربیات خود به ابعاد مختلفی همچون بالا بردن آگاهی فرزند، پیشگیری از تجربه مجدد اشتباه والدین، آموزش از طریق بیان تجربه شخصی (الگو بودن) به جای نصیحت کردن و ایجاد آمادگی در فرزندان اشاره کردند. به اشتراک گذاشتن اطلاعات مناسب با فرزندان سبب افزایش شناخت آنها از والدین و محیط پیرامون می‌شود که در نهایت درک، همراهی و مسئولیت‌پذیری فرزندان را در پی خواهد داشت. مادری در این زمینه اشاره می‌کند: «از تفاوت‌های فردی که بین من و دیگران وجود دارد برای دخترم می‌گم، اینجوری اون می‌فهمه که آدم‌های متفاوت با دیدگاه‌های متفاوت وجود داره و شناختش از من و مسائل مختلف بیشتر میشه.» ندا (۱۹،۱۲)

منا (۳۲،۲۹) در تأکید بر آموزش از طریق بیان تجربه شخصی می‌گوید: «خاطره مورد آزار جنسی قرار گرفتن خودم رو تو سن پنج سالگی برای دخترم گفتم تا حواسش به شاگرداش تو این زمینه بیشتر باشه. شاید همین‌طوری حرف من قبول نمی‌کرد ولی وقتی تجربه خودم رو بهش گفتم بیشتر باور کرد و تأثیر گرفت.»

♦ مضمون فرعی چهارم: دریافت حمایت

از تجارب مادران در این زیرمضمون، می‌توان برخی از دلایل جزیی‌تر از جمله مشورت گرفتن از فرزند، دریافت حمایت مادی و معنوی، تأیید حقانیت خود، درک شدن و قدردان بودن فرزندان را نام برد و نکته جالب توجه اینکه این دسته از خودافشایی‌ها نزد فرزندان بزرگ‌تر بیشتر از فرزندان کوچک‌تر اتفاق افتاده است. یکی از مادران در بیان تجربه خود با این هدف

بیان می‌کند: «زمانی که پسر من خواست ازدواج کند خیلی کمکش کردم، با این وجود احساس کردم توقعاتش فراتر از تواناییهای من، برای اینکه قدر کارهایی که برایش کردم رو بیشتر بدونم از مشکلاتی که زمان ازدواج داشتم برایش گفتم.» زهرا (۲۰،۱۳)

همچنین عذرا (۲۶،۳۰،۳۸،۳۹) بیان می‌کند: «گاهی اوقات از مشکلاتی که با پسر کوچیکم دارم برای بزرگه می‌گم که ازش کمک بگیرم، چون اون هم جنسشه، این دوران رو پشت سر گذاشته و بهتر میتونه درک کنه.»

❖ مضمون فرعی پنجم: دریافت اطلاعات

مادران شرکت‌کننده معتقد بودند زمانی که آنها خودافشایی می‌کنند، احتمال بیشتری وجود دارد که فرزندان هم در مورد خود دست به خودافشایی بزنند و از این طریق به شناخت بیشتری از فرزندانشان دست می‌یابند. نمونه‌هایی از نقل قولها عبارت است از: «دخترم تو سن ازدواجه و خیلی راحت نیست که تو این زمینه حرف بزنی، وقتی از خاطراتم تو این سن برایش می‌گم سر صحبت باز میشه و اونم راحت‌تر حرفاشو می‌زنه و من بهتر با معیارهاش آشنا میشم.» منصوره (۲۳،۱۰)

مادر دیگری بیان می‌کند: «تجربه‌هایی که با جنس مخالف داشتم رو به دخترم می‌گم، اینطوری اونم راحت مسائلی که تو این زمینه برایش پیش میاد رو بهم می‌گه.» ستاره (۲۷،۲۰)

❖ مضمون فرعی ششم: بهبود روابط

مادران در تجربیات خود اشاره به دلایلی از جمله کاهش تنش در رابطه خود با فرزند، ایجاد صمیمیت و اعتماد بیشتر بین آنها داشتند. برخی از مادران بر این باور بودند که خودافشایی کردن نزد فرزندان، بهانه‌ای برای ارتباط‌گیری با آنها بوده است و افزایش ارتباط کلامی از این طریق منجر به ایجاد رابطه صمیمانه‌تر بین آنها می‌شود. بخشی از مهم‌ترین گفته‌های مادران به این شرح است: «اگر از اتفاقات روزمره‌ام بیشتر برایش می‌گفتم بهتر بود، چون اونم اینجوری بیشتر با من ارتباط برقرار می‌کرد، من این کار رو نکردم و احساس می‌کنم اون رابطه صمیمی که باید بین من و دخترم باشه نیست.» الهام (۱۹،۸)

مطهره (۲۲،۱۰) می‌گوید: «خیلی وقتا که تنهایی می‌رفتم بیرون و یه ماجرای برام پیش می‌ومد، عمداً می‌ومدم به دختر بزرگم می‌گفتم، وقتی اینجوری فکر میکنه که مامان می‌تونست اصلاً نگه ولی به من اعتماد کرد و گفت، اونم به من اعتماد بیشتری می‌کنه.»

❖ مضمون فرعی هفتم: تخلیه هیجانی

مادران اشاره کردند که بعضی از مواقع برای کاهش احساسات منفی مثل خشم، عصبانیت و ... دست به خودافشایی زده‌اند. در زمان چنین خودافشاییهایی، علیرغم اینکه مادران در همان لحظه آرام

شدند، ولی مدتی بعد احساس خوبی نداشتند و معتقد بودند که چنین خودافشاییهایی برای فرزندان نامناسب بوده و تأثیرات منفی در پی داشته است. برای نمونه مینا (۳۹،۳۷،۲۶،۲۴) اظهار می‌کند: «من بعضی مواقع که خیلی عصبانی میشم، پیش بچه‌ها مخصوصاً دخترام از باباشون شکایت می‌کنم، بالاخره آدم وقتی ناراحته یه چیزایی میگه که نباید بگه. آروم میشم ولی بعضی مواقع هم بعدش عذاب وجدان می‌گیرم.»

همچنین منا (۳۲،۲۸) در این زمینه مطرح می‌کند: «من کلاً آدمی هستم که خودم رو همیشه تخلیه می‌کنم و کسی را به جز بچه‌ها نزدیک خودم نمی‌بینم که بخوام بگم، مثلاً از سر کار ناراحتم، سریع میام خونه و برای بچه‌ها می‌گم.»

● مضمون اصلی دوم: راهبردهای خودافشایی مادران

مشارکت‌کنندگان به نکاتی اشاره می‌کردند که مربوط به چگونگی و شیوه خودافشایی آنها نزد فرزندان بود. مادران نه تنها درباره محتوای خودافشاییهای خود تأمل داشتند، بلکه این موضوع را نیز که چگونه و چه مقدار می‌توانند خودافشایی کنند مورد بررسی قرار دادند. به باور آنها شیوه ارائه در مناسب بودن این خودافشاییها تأثیر گذاشته است. در این مطالعه شیوه‌هایی را که مادران به کار گرفته‌اند از جمله چگونگی بیان، مقدار گفتن، زمان گفتن و وضع قوانین به عنوان راهبردهای خودافشایی دسته‌بندی شده است.

◆ مضمون فرعی اول: چگونگی بیان

شرکت‌کنندگان بارها به این نکته اشاره کردند که به شیوه‌های متفاوت نزد فرزندانشان خودافشایی کرده‌اند از جمله: به صورت چهره‌به‌چهره، غیرمستقیم، از سوی یکی از والدین یا هر دو والد، متناسب با سن و ویژگیهای رشدی فرزند و به‌طور مکرر. تجربیات مادران نشان داد که اکثر خودافشاییهای آنها نزد فرزندان به‌صورت مستقیم و چهره‌به‌چهره انجام شده و در موارد اندکی این خودافشاییها با واسطه، از سوی فردی دیگر غیر از والدین، صورت گرفته است. مادران معتقد بودند که فرزندان به‌ویژه زمانی که در سنین پایین‌ترند، از لحاظ شناختی، توانایی درک بعضی از مسائل را ندارند و شیوه صحیح برخورد با این مسائل را نمی‌دانند، در نتیجه دچار هیجانات منفی مانند غم و درماندگی می‌شوند. برخی گفته‌های مادران به این شرح است: «پسرم کلاسهای گوناگون می‌خواست بره و من از لحاظ مالی نمی‌تونستم خواسته‌هاش رو برآورده کنم، اگر من بهش می‌گفتم باور نمی‌کرد، مجبور شدم به پدرم بگم باهاش صحبت کنه و شرایط مالی رو براش توضیح بده، به نظرم تأثیرش بیشتر بود.» منیژه (۲۳،۱۷)

«از ۱۴-۱۵ سالگی بچه‌ها، ما جلسات چهارنفری داشتیم که راجع به مسائل اقتصادی خانواده صحبت می‌کردیم و اگر با یه مشکل اقتصادی روبه‌رو می‌شدیم، هر دومون با هم می‌نشستیم و با بچه‌ها حرف می‌زدیم.» سهیلا (۲۲،۱۹)

«راجع به مشکلات مالی به دختر بزرگ‌ترم خیلی بیشتر و با جرئیات میگم، ولی به کوچیکه خیلی ساده می‌گم.» منصوره (۲۳،۱۰)

◆ مضمون فرعی دوم: میزان گفتن

در میان تجارب مادران از لحاظ میزان افشای اطلاعات چندین رویکرد دیده می‌شد مانند: بیان سرپسته و محدود، کاملاً پنهان کردن، بیان کامل موضوع، علاوه بر گفتن مشارکت دادن فرزند در تصمیم‌گیری. نکته قابل توجه اینکه محتوای خودافشایی مادران، در سنین پس از نوجوانی فرزندان از جامعیت بیشتری برخوردار بود. همچنین فرزندان پس از این سن، نقش مشاور و راهنما را برای مادران در تصمیم‌گیریها داشتند. در این زمینه الهام (۱۹،۸) مطرح می‌کند: «همسرم معتقد که خیلی از مسائل خودمون رو باید به صورت کامل و شفاف با بچه‌ها در میون بذاریم و اون این کار رو برای دختر نوجوونمون انجام میده.»

همچنین مریم (۱۰،۲) می‌گوید: «الان که دخترم هنوز ۱۰ سالشه، مسائل عاطفی که باهاش درگیرم رو اصلاً بهش نمی‌گم، آخه امنیتش بهم می‌ریزه.»

◆ مضمون فرعی سوم: زمان گفتن

این مضمون اشاره دارد به زمانی که مادران شرکت‌کننده برای خودافشایی در نظر می‌گیرند. مادران راهبردهایی متفاوت را به کار بردند از جمله: بیان خودافشایی در موقعیت پیش‌آمده مربوط به موضوع، بیان خودافشایی خارج از موقعیت پیش‌آمده و صبر کردن تا فرصت مناسب، مسکوت ماندن موضوع تا بزرگ شدن فرزند و خودافشایی بدون قصد و برنامه‌ریزی قبلی. برای نمونه مادری بیان می‌کند: «زمانی که پسرم کنکور داشت، متأسفانه همسرم مریض شد و به بیماری سختی گرفت. به خاطر اینکه پسرم از لحاظ روحی بهم نریزه، گذاشتیم کنکورش رو بده و بعد مسئله رو کامل باهاش مطرح کردیم.» فاطمه (۳۶،۳۳،۲۴).

مادر دیگری اشاره می‌کند: «یه بار دیدم پسرم داره توی ارتباط با دوستش زیاده‌روی می‌کنه، همان موقع از تجربه شکستی که به دنبال صمیمیت و ارتباط زیاد با دوستم تو گذشته داشتم براش گفتم تا حواسش رو بیشتر جمع کنه.» بهاره (۱۳)

◆ مضمون فرعی چهارم: وضع قوانین

در زمینه وضع قوانین، تجربه‌های متفاوتی از جمله مذاکره هر دو والد و پیروی از قوانین مشترک، نرسیدن به توافق مشترک و پیروی هر یک از قوانین منحصر به فرد خود و عدم مذاکره والدین و انجام خودافشایی بدون تبعیت از قانون استنباط شد. اکثر مادران بیان کردند که هیچگاه این مسئله را اینقدر جدی نگرفته‌اند که درخصوص وضع قوانینی برای افشای اطلاعات نزد فرزندان با همسر خود مذاکره کنند و در این زمینه هیچ خط و مشی مشترکی نداشته‌اند.

نمونه اظهارات برخی از مادران به شرح زیر است: «من همیشه در ذهن خودم به سری باورها و خط قرمزها برای گفتن به سری مطالب شخصیم به بچه ها داشتم، ولی هیچ وقت این مسئله رو اینقدر مهم نگاه نکردم که بخوام با همسرم راجع بهش حرف بزنم.» معصومه (۲۲،۹)

«همسرم معتقده که خیلی از مسائل رو باید به بچه ها بگیم، ولی من این اعتقاد رو ندارم و معتقدم محدود باید گفته بشه، در این زمینه با هم صحبت کردیم ولی همسرم قبول نمی کنه و همچنان به شیوه خودش همونطور زیاد خودافشایی می کنه.» الهام (۱۹،۸)

بحث و نتیجه گیری

با توجه به ماهیت و سطح متفاوت صمیمیت در رابطه والد - فرزندی در مقایسه با رابطه زوجی، اهمیت، کارکرد و تأثیر خودافشایی در این رابطه به گونه ای دیگر است، از این رو ضروری به نظر می رسد که این پدیده به شکلی گسترده تر در بافت رابطه والد - فرزندی مورد بررسی قرار گیرد. هدف از مطالعه حاضر، بررسی تجربه زیسته مادران غیرمطلّقه از خودافشایی نزد فرزندان بود. مشارکت کنندگان در بیان تجارب خود به دو بعد دلایل خودافشایی و راهبردهای به کار گرفته شده اشاره کردند که هر کدام از این درون مایه های اصلی شامل مجموعه ای از درون مایه های فرعی و در پی آنها کدهای خاص هر کدام از این مقوله ها بود. نتایج پژوهش نشان داد که مادران با اهدافی متفاوت نزد فرزندان خودافشایی می کنند که این دلایل استخراج شده با دلایل مشخص شده در مطالعه دالجین (۱۹۹۶) و مطالعه کورنر، والاس، لیمن، لی و اسکالانت^۱ (۲۰۰۴) همسوست، هر چند که در مطالعه دالجین از عناوینی از جمله انتقال اطلاعات، به اشتراک گذاشتن خبرهای خوب و نزدیکی به فرزند استفاده شده که این دلایل در مطالعه حاضر زیرمجموعه مضامین فرعی آموزش به فرزند و بهبود روابط قرار گرفته است.

یکی از دلایل اشاره شده در تجربه مادران، انگیزه دریافت حمایت از فرزند بوده است. درجه کنترل احساس شده مادران روی عامل استرس زا (افیفی و همکاران، ۲۰۰۷) و گستردگی شبکه حمایت خارجی مانند دوست، همسر و ... (کورنر و همکاران، ۲۰۰۴) بر میزان خودافشایی آنها تأثیر می گذارد. زمانی که عامل استرس زا از سوی والدین خارج از کنترل ادراک شود و منابع حمایت کننده خارجی به اندازه کافی موجود نباشد، فرزندان می توانند به جای سایر منابع در حمایت از والدین به آنها خدمت کنند. زمانی که نقشها به عکس می شود (به چنین شرایطی والدگری فرزندان^۲ می گویند)، ممکن است فرزندان از اینکه ندانند چگونه می توانند این حمایت را برای والدین فراهم کنند و با این مسئولیتها سازگار شوند، احساس درهم شکستگی و غرق شدگی بکنند

1. Koerner, Wallace, Lehman, Lee & Escalante

2. Parentification

(کریگ^۱، ۲۰۰۵). همچنین یافته‌ها نشان دادند که مادران در موقعیتهایی با هدف برون‌ریزی و تخلیه هیجانات خود نزد فرزندان خودافشایی کرده‌اند. مطابق با مطالعات استایلز، شوستر و هریگان^۲ (۱۹۹۲) که مبتنی بر مدل تب^۳ (استایلز، ۱۹۸۷) است، زمانی که افراد از بازگو کردن اطلاعاتی که آنها را آزار می‌دهد، خودداری می‌کنند پریشانی آنها بیشتر می‌شود، مشابه تبی که در نتیجه یک عفونت فیزیکی در بدن ایجاد می‌شود، بنابراین افراد برای کاهش تنش و بازگشتن به یک حالت سالم تمایل دارند که این اطلاعات را افشا کنند. کوهن و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که خودافشایی در مورد اطلاعات مضطرب‌کننده فردی موجب کاهش ادراک فرد از شدت استرس می‌شود. با توجه به اینکه برای والدین تنها افراد در دسترس و شنوا در آن لحظه فرزندان باشند، خودافشایی نزد آنها ممکن است موجب کاهش ادراک والدین از شدت عامل استرس‌زا، در نتیجه کاهش تنش و تخلیه هیجانی شود.

خودافشایی مادران با هدف دریافت اطلاعات همسو با یافته‌های مطالعه کورنر، جاکوبز^۴ و ریموند^۵ (۲۰۰۰)، نشان می‌دهد افرادی که سطوح بالایی از خودافشایی را ابراز می‌کنند، در استخراج خودافشایی در دیگران هم به خوبی عمل می‌کنند (اسپرکر و هندریک^۶، ۲۰۰۴). خودافشایی درباره موضوعاتی با محتوای رابطه‌ای موجب افزایش خودافشایی متقابل فرزند نزد والدین می‌شود، به‌خصوص در سنین نوجوانی که به‌طور طبیعی میزان خودافشایی نوجوانان نزد والدین کم می‌شود (گولیش و کافلین^۷، ۲۰۰۲). انگیزه مادران از خودافشایی با هدف بهبود رابطه با فرزند همسو با انگیزه پدران مطلقه مطالعه کانگ و گنانگ (۲۰۱۹) است. خودافشایی مناسب درباره موضوعات عمومی (موضوعاتی که منفی و استرس‌زا نباشند)، یک نوع راه ارتباطی والد با فرزند است و منجر به صمیمیت بیشتر میان آنها، رضایت بیشتر از رابطه، پرخاشگری کلامی کمتر و حل مسئله سازنده‌تر می‌شود (لیختوارک - آشوف^۸، فینکناور، فان دورست^۹ و انگلز، ۲۰۱۲). چنین خودافشاییهایی ممکن است توسعه یک فضای برابر و متوازن در رابطه والد - فرزندی را تسهیل کنند (یونس و اسمولار^{۱۰}، ۱۹۸۵). می‌توان گفت خودافشاییهایی که محتوای منفی و حساس ندارند، می‌توانند بهانه‌ای برای شروع صحبت و افزایش ارتباط کلامی میان مادر و فرزند شوند و به ایجاد اعتماد

1. Kerig
2. Stiles, Shuster & Harrigan
3. Fever model
4. Jacobs
5. Raymond
6. Sprecher & Hendrick
7. Golish & Caughlin
8. Lichtwarck-Aschoff
9. van de Vorst
10. Youniss & Smollar

بیشتر در این رابطه کمک کنند.

یکی دیگر از دلایل مادران، انگیزه آموزش به فرزند بوده است. میلر و لین^۱ (۱۹۹۱) اشاره کردند که والدین با استفاده از بیان تجارب خود می‌توانند به صورت غیر مستقیم به فرزندان آموزش بدهند و از این طریق نفوذ کلام و اثر تربیتی خود را افزایش دهند. با توجه به اینکه زندگی فرزندان (زمانی که با والدین خود زندگی می‌کنند) هنوز خیلی در هم تنیده با والدین است، برای مثال هنوز وابستگی مالی زیادی به آنها دارند (دالچین، ۱۹۹۶)، لازم است که حداقل در مورد بعضی از جنبه‌های زندگی والدین خود بدانند. از این رو خودافشایی مناسب می‌تواند فرصتی را برای فرزندان برای شناخت بیشتر خود، والدین، قوانین و ارزشهای خانواده به‌وجود آورد.

یکی دیگر از ابعاد خودافشایی که مادران بر آن تأکید داشتند، شیوه بیان و چگونگی خودافشایی آنها نزد فرزندان بوده است. در تجارب مادران همانند پدران مطلقه مطالعه کانگ و گنانگ (۲۰۱۹)، که از اولین مطالعات در زمینه راهبردهای به‌کارگرفته شده والدین برای خودافشایی محسوب می‌شود، راهبردهایی دیده می‌شد که آنها هنگام خودافشایی نزد فرزند به‌کار گرفتند، با وجود این پژوهش حاضر توجهی دقیق‌تر به این راهبردها داشته و یافته‌های بیشتری را به اطلاعات موجود افزوده است. همانند پدران مطالعه قبلی، مادران نیز گزارش دادند که شیوه بیان خودافشایی آنها نزد فرزندان کوچک‌تر نسبت به فرزندان بزرگ‌تر متفاوت بوده و عامل سن فرزند را در این زمینه مورد توجه قرار داده‌اند، به این معنا که جملات آنها متناسب با ادراک ذهنی فرزندان تنظیم شده است. یافته‌های مطالعه کانگ و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان می‌دهند که دیدگاه افراد در مورد مناسب بودن خودافشایی والدین تحت تأثیر سن فرزندان قرار می‌گیرد. والدین با خودافشایی نامتناسب با سن فرزند، بار زیادی از نگرانیهای خود را بر آنها تحمیل می‌کنند، در صورتی که فرزندان حتی در سنین نوجوانی هم ظرفیت هیجانی برای محرم و شنونده بودن برای والدین خود را ندارند (لیمن و کورنر، ۲۰۰۲).

در زمینه میزان گفتن، مادران از رویکردهای متفاوتی مانند بیان کاملاً باز تا درگیر کردن فرزند در تصمیم‌گیری پیروی کردند که بر اساس نظریه مدیریت حریم خصوصی، میزان خودافشایی والدین مبتنی بر دلایل گوناگون است. برای نمونه والدین ممکن است این اطلاعات را پنهان کنند به این دلیل که معتقدند فرزندان واکنش منفی نسبت به این اطلاعات نشان می‌دهند و یا سبب ایجاد استرس در آنها می‌شود (افیفی و استیوبر، ۲۰۱۰). برخی از والدین به دلیل باورها و ارزشهای منحصر به فرد خود، در بیان اطلاعات نزد فرزندان گشوده‌ترند، در حالی که برخی دیگر مرزهای حریم خصوصی محکم‌تری دارند و اطلاعات بیشتری را از دسترس فرزندان دور نگه می‌دارند. بنابراین میزان گشودگی والدین بسیار متفاوت و بستگی به این ارزیابیها دارد. در زمینه وضع قوانین

1. Miller & Lane

مربوط به افشای اطلاعات، بسیاری از مادران بیان کردند که تاکنون از هیچ قانون فردی یا مشترکی با همسر پیروی نکرده‌اند، در حالی که بر اساس نظریه مدیریت حریم خصوصی، بهترین راه برای مدیریت مالکیت و کنترل حریم خصوصی، استفاده از قوانین است. این مجموعه قوانین شامل راهبردها و انتظاراتی است که والدین باید برای مدیریت حریم خصوصی خود بسازند. نتیجه نبود چنین قوانین فردی و مشترکی، تعارضات رابطه‌ای و میان - فردی در خانواده خواهد بود (پترونو^۱، ۲۰۱۸). بنابراین مطالعات هر چه بیشتر پیرامون بررسی زمانهایی که مدیریت حریم خصوصی از سوی والدین غیر موثر است، اجازه شناخت عمیق‌تر مسیری را خواهد داد که آنها می‌توانند این فرایندها و قوانین را برای تأثیرگذاری بیشتر تغییر دهند.

این مطالعه به دلیل توصیف تجربه مشارکت‌کنندگان هدفمندی که در بافت فرهنگی شهر تهران قرار داشتند، محدود شده است، بنابراین مطالعات مشابه می‌تواند در مادران سایر شهرها و استانهای دیگر نیز انجام شود. همچنین این احتمال وجود دارد که مادران همه تجارب خود را در زمینه خودافشایی به یاد نیاورده یا عمداً بخشی از آن را بازگو نکرده باشند، از این رو پیشنهاد می‌شود که علاوه بر بررسی تجارب مادران، تجارب فرزندان از خودافشایی مادران نیز به صورت موازی و همزمان مورد بررسی قرار گیرد، بدون شک تجارب هر دو گروه می‌تواند تکمیل‌کننده هم باشد و به درک بیشتر این پدیده منجر شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پدیده خودافشایی والدین بسیار پیچیده و دارای ابعاد گوناگون است. برای ارزیابی مناسب بودن آن باید به پرسشهای متعددی توجه کرد از جمله: هدف مادر از این عمل چیست؟ آیا محتوا متناسب با سن فرزند تنظیم شده؟، شیوه بیان و دفعات گفتن چگونه است؟، در چه زمان و موقعیتی صورت گرفته؟، آیا مادر به تنهایی انجام داده است یا همراه با پدر؟ و سایر ابعادی که شاید در مطالعات آینده کشف و مورد توجه بیشتر قرار گیرد. نتایج پژوهش حاضر گویای این است که والدین می‌توانند برای داشتن مرزهای میان - نسلی سالم با فرزندان و ابراز خودافشاییهای مناسب در صورت لزوم، از راهکارهایی همچون استفاده از خدمات تخصصی یک مشاور در مواقع نیاز به صحبت و راهنمایی، آشنایی بیشتر با ویژگیهای رشدی فرزندان در هر مرحله سنی، غنی‌سازی شبکه حمایت خارجی به غیر از فرزندان و تنظیم قوانین کنترل حریم خصوصی به صورت فردی و مشترک با همسر بهره ببرند. از آنجایی که والدین به یک مدل تجربی و با کفایت دسترسی ندارند که براساس آن راهبرد افشای اطلاعات شخصی خود نزد فرزند را در صورت لزوم پایه‌ریزی کنند، نتایج این مطالعه می‌تواند در طرح‌ریزی چنین مدلی به متخصصان حوزه خانواده برای تدوین محتوا و شیوه‌های مناسب ابراز خودافشایی نزد فرزندان یاری رساند.

1. Petronio

REFERENCES

ادیب حاج‌باقری، محمد؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق کیفی. چاپ سوم. تهران: بشری.

- Afifi, T. D., Afifi, W. A., & Coho, M. (2009). Adolescents' physiological reactions to their parents' negative disclosures about the other parent in divorced and nondivorced families. *Journal of Divorce & Remarriage*, 50(8), 517-540.
- Afifi, T. D., McManus, T., Hutchinson, S., & Baker, B. (2007). Inappropriate parental divorce disclosures, the factors that prompt them, and their impact on parents' and adolescents' well-being. *Communication Monographs*, 74(1), 78-102.
- Afifi, T. D., Schrodtt, P., & McManus, T. (2009). The divorce disclosure model (DDM): Why parents disclose negative information about the divorce to their children and its effects. In T. D. Afifi, & W. A. Afifi (Eds.), *Uncertainty, information management, and disclosure decisions: Theories and applications* (pp. 403-425). New York, NY: Taylor & Francis.
- Afifi, T. D., & Steuber, K. (2010). The cycle of concealment model. *Journal of Social and Personal Relationships*, 27(8), 1019-1034.
- Baker, A. J. L., & Brassard, M. R. (2013). Adolescents caught in parental loyalty conflicts. *Journal of Divorce & Remarriage*, 54(5), 393-413.
- Brelsford, G. M., & Mahoney, A. (2008). Spiritual disclosure between older adolescents and their mothers. *Journal of Family Psychology*, 22(1), 62-70.
- Cohen, O., Leichtentritt, R. D., & Volpin, N. (2014). Divorced mothers' self-perception of their divorce-related communication with their children. *Journal of Child and Family Social Work*, 19(1), 34-43.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (3rd ed.). Sage Publications.
- Dolgin, K. G. (1996). Parents' disclosure of their own concerns to their adolescent children. *Personal Relationships*, 3(2), 159-169.
- Dolgin, K. G., & Berndt, N. (1997). Adolescents' perceptions of their parents' disclosure to them. *Journal of Adolescence*, 20(4), 431-441.
- Donovan, E. E., Thompson, C. M., LeFebvre, L., & Tollison, A. C. (2017). Emerging adult confidants' judgments of parental openness: Disclosure quality and post-disclosure relational closeness. *Communication Monographs*, 84(2), 179-199.
- Finkenauer, C., Engels, R. C. M. E., Branje, S., & Meeus, W. (2004). Disclosure and relationship satisfaction in families. *Journal of Marriage and Family*, 66(1), 195-209.
- Golish, T., & Caughlin, J. (2002). "I'd rather not talk about it": Adolescents' and young adults' use of topic avoidance in stepfamilies. *Journal of Applied Communication Research*, 30(1), 78-106.
- Greene, K., Derlega, V. J., & Mathews, A. (2006). Self-disclosure in personal relationships. In A. L. Vangelisti, & D. Perlman (Eds.), *The Cambridge handbook of personal relationships* (pp. 409-428). Cambridge: Cambridge University Press.
- Hawk, S. T., Keijsers, L., Frijns, T., Hale, W. W., 3rd, Branje, S., & Meeus, W. (2013). "I still haven't found what I'm looking for": Parental privacy invasion predicts reduced parental knowledge. *Developmental Psychology*, 49(7), 1286-1298.

- Kang, Y., & Ganong, L. (2019). Divorced fathers' perceptions of parental disclosures to children. *Family Relations*, 69(1), 36-50.
- Kang, Y., Ganong, L., Chapman, A., Coleman, M., & Ko, K. (2017). Attitudes toward parental disclosures to children and adolescents by divorced and married parents. *Family Relations*, 66(5), 839-853.
- Kerig, P. K. (2005). Revisiting the construct of boundary dissolution: A multidimensional perspective. *Journal of Emotional Abuse*, 5(2-3), 5-42.
- Koerner, S. S., Jacobs, S. L., & Raymond, M. (2000). When mothers turn to their adolescent daughters: Predicting daughters' vulnerability to negative adjustment outcomes. *Family Relations*, 49(3), 301-309.
- Koerner, S. S., Wallace, S., Lehman, S. J., Lee, S.-A., & Escalante, K. A. (2004). Sensitive mother-to-adolescent disclosures after divorce: Is the experience of sons different from that of daughters? *Journal of Family Psychology*, 18(1), 46-57.
- Lehman, S. J., & Koerner, S. S. (2002). Family financial hardship and adolescent girls' adjustment: The role of maternal disclosure of financial concerns. *Merrill-Palmer Quarterly*, 48(1), 1-24.
- Levesque, M. J., Steciuk, M., & Ledley, C. (2002). Self-disclosure patterns among well-acquainted individuals: Disclosers, confidants, unique relationships and gender. *Social Behavior and Personality*, 30(6), 579-592.
- Lichtwarck-Aschoff, A., Finkenauer, C., van de Vorst, H., & Engels, R. C. M. E. (2012). Being mum's confidant, a boon or bane? Examining gender differences in the association of maternal disclosure with adolescents' depressive feelings. *Journal of Youth and Adolescence*, 41(4), 449-459.
- Miller, J. B., & Lane, M. (1991). Relationships between young adults and their parents. *Journal of Adolescence*, 14(2), 179-194.
- Miller-Ott, A. E. (2013). Factors that influence separated and divorced parents' sharing of personal information with dating partners. *Journal of Divorce & Remarriage*, 54(4), 282-294.
- O'Mara, C., & Schrodt, P. (2017). Negative parental disclosures as mediators of coparental communication and relational outcomes in parent-child relationships. *Journal of Family Communication*, 17(2), 169-184.
- Petronio, S. (2018). Communication privacy management theory. In D. O. Braithwaite, E. A. Suter, & K. Floyd (Eds.), *Engaging theories in family communication* (2nd ed., pp. 87-97). New York: Routledge.
- Schrodt, P., & Afifi, T. (2018). Negative disclosures and feeling caught mediate coparental communication and mental health. *Personal Relationships*, 25(4), 480-496.
- Sprecher, S., & Hendrick, S. S. (2004). Self-disclosure in intimate relationships: Associations with individual and relationship characteristics over time. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 23(6), 857-877.
- Stiles, W. B. (1987). Verbal response modes as intersubjective categories. In R. L. Russell (Ed.), *Language in psychotherapy: Strategies of discovery* (pp. 131-170). Boston, MA: Springer.
- Stiles, W. B., Shuster, P. L., & Harrigan, J. A. (1992). Disclosure and anxiety: A test of the fever model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63(6), 980-988.
- Thorson, A. R. (2014). Feeling caught: Adult children's experiences with parental infidelity. *Qualitative Research Reports in Communication*, 15(1), 75-83.
- Youniss, J., & Smollar, J. (1985). *Adolescent relations with mothers, fathers, and friends*. University of Chicago Press.